

چپ رادیکال در ایران

انقلابیون مارکسیست ایرانی

تشکیل و تکامل سازمان فدائیان خلق ۱۳۵۵-۱۳۴۳

نوشته

علی رهنما

مترجم

پوریا پرندوش

کتابخانه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۱

شمارگان: ۷۷۰

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ تومان


شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۱۶۶-۰

نشانی: تهران، مینی سیتی، شهرک محلاتی،

فاز ۲ مخابرات، بلوک ۳۸، واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ (۰۲۱)

negahe.moaser94@gmail.com

 nashr_negahemoaser

فهرست مطالب

- سخن ناشر..... ۱۳
- پیش‌گفتار و سپاسگزاری‌ها..... ۱۵
- مقدمه..... ۲۷
۱. خشونت به عنوان گزینه سیاسی..... ۳۵
- اهریمنی ساختن اپوزیسیون مسلح..... ۳۷
- چرا توسل به مبارزه مسلحانه؟..... ۴۲
- چهار نظریه پرداز مارکسیست مبارزه مسلحانه..... ۴۵
۲. روایت حسن ضیاظریفی از چرایی مبارزه مسلحانه..... ۴۹
- مقصر: سلطنت مطلقه استبدادی..... ۵۱
- تأملات زندان..... ۵۴
۳. روایت امیر پرویز پویان از چرایی مبارزه مسلحانه..... ۵۹
- ادبیات در خدمت انقلاب..... ۶۰
- مبارزه مسلحانه: عقلانی یا غیرعقلانی؟ انحراف نظری لازم..... ۶۳
- پویان: درباره ضرورت مبارزه مسلحانه به عنوان انتخاب عقلانی..... ۶۷
- رد تئوری بقا..... ۷۱
- تأثیر انکارناپذیر پویان..... ۷۳

۴. روایت مسعود احمدزاده از چرایی مبارزه مسلحانه ۷۷
- ابهام‌زدایی از اصطلاحات کلاسیک درباره چگونگی مسلح شدن و زمان آن ۷۸
- انزوای پرثمر ۸۰
- دبره: از هاوانا به تهران از راه مشهد ۸۱
- آموختن از گذشته ۸۳
- جدا شدن از سنت فکری قدما ۸۴
- مبارزه مسلحانه توسط پیشاهنگ انقلابی ۸۸
۵. روایت بیژن جزنی از چرایی مبارزه مسلحانه ۹۱
- معماهای حول [جزوه] آنچه یک انقلابی باید بداند ۹۲
- مقابله با یک دیکتاتوری نظامی سلطنتی ۹۴
- روشنفکران انقلابی: آتش بیار جنبش انقلابی ۹۶
- اشارات متناقض جزنی ۹۹
- عوامل انقلابی و مسأله رهبری در ایران استبدادی یا دموکراتیک ۱۰۰
۶. تانگوی ناشیانه حزب توده با مبارزه مسلحانه ۱۰۵
- تضاد ایدئولوژیک بر سر انقلاب ۱۰۶
- دانشجویان ایرانی موضع می‌گیرند ۱۰۷
- تأیید اکراه‌آمیز مبارزه مسلحانه توسط حزب توده ۱۰۹
- روی‌گردانی حزب توده از مبارزه مسلحانه ۱۱۱
- انقلاب یعنی به‌کارگیری روش مبارزه مسالمت‌آمیز ۱۱۲
- حزب توده و نفی مبارزه مسلحانه ۱۱۷
- مارکسیست‌های انقلابی درباره حزب توده چه فکر می‌کردند؟ ۱۲۱
۷. اتحاد سلطنت‌طلبان، مائوئیست‌ها و حزب توده: مبارزه مسلحانه ماجراجویی ضد انقلابی است ۱۲۵
- انقلاب سرخ برای نیکخواه تبدیل به انقلاب سفید شد ۱۲۷

- کورش لاشایی: نفی رمانتیسیسم و پذیرش رئالیسم..... ۱۳۱
- حزب توده: به شما گفته بودیم..... ۱۳۵
۸. مبارزه مسلحانه و متشرعین مارکسیستی..... ۱۳۷
- جبرگرایی تاریخی یا اراده‌گرایی انقلابی؟..... ۱۳۸
- مارکس و انگلس: تردید درباره نقش خشونت؟..... ۱۴۱
- صراحت لنین درباره خشونت؟..... ۱۴۸
- تروتسکی: ناهماهنگی بین آگاهی روشنفکری انقلابی و شرایط اقتصادی عقب‌مانده
دعوتی است به خشونت..... ۱۵۳
۹. مبارزه مسلحانه و انقلابیون مارکسیست..... ۱۵۷
- اقتدار انقلابی مائو تسه تونگ..... ۱۶۲
- انقلاب‌سازی چه‌گوارا برای سرنگونی دیکتاتورها..... ۱۶۴
- کارلوس ماریگلا: آزادسازی خشونت برای پایان دادن به خشونت..... ۱۷۰
- ماریگلا در ایران از راه بغداد..... ۱۷۳
۱۰. سال‌های شکل‌گیری گروه جزنی..... ۱۷۷
- جزنی‌کارآفرین..... ۱۷۷
- از کجا آمد؟..... ۱۷۸
- فعالیت‌های سیاسی دانشجویی..... ۱۸۰
- فاز اول گروه جزنی..... ۱۸۴
- جزنی و پیام دانشجویان دانشگاه..... ۱۸۶
- فاز دوم گروه جزنی..... ۱۸۷
- شاخه سیاسی و تبلیغاتی..... ۱۹۰
- شاخه عملیاتی و نظامی..... ۱۹۲
- عملیات نظامی‌ای که باید اتفاق می‌افتاد اما به وقوع نپیوست..... ۱۹۶
- شبکه غفور حسن‌پور: عضوگیری پشت پرده..... ۱۹۸

۱۱. منحل شدن گروه جزنی ۲۰۳
- نخستین حملات ۲۰۴
- باقی مانده های گروه جزنی در محاصره ۲۰۸
- سرقت از بانک ها ۲۱۰
- تصمیم به ترک کشور ۲۱۱
- آخرین دستگیری ها ۲۱۴
۱۲. گروه جدید حسن پور، اشرف و صفایی فراهانی: آماده سازی و عملیات ۲۱۷
- برداشتن تکه های شکسته ۲۲۱
- سازماندهی مبارزه مسلحانه: سه تیم ۲۲۱
- نخستین عملیات شهری گروه ح. الف. ص ۲۲۷
۱۳. گروه پویان، مفتاحی و احمدزاده ۲۳۱
- پویان و احمدزاده ناهمگون و جدایی ناپذیر ۲۳۲
- ورود عباس مفتاحی ۲۳۳
- حلقه های پویان در مشهد و تبریز ۲۳۵
- عضویت احمدزاده در حلقه هیرمن پور ۲۴۰
- حلقه های تهران و ساری مفتاحی ۲۴۵
- عملیات گروه پ. ا. م قبل از سیاهکل ۲۵۰
- انحراف اخلاقی: چکاندن یا نچکاندن ماشه؟ ۲۵۴
۱۴. مبارزه مسلحانه در ایران: روستا یا شهر ۲۵۹
- موضع گیری تئوریک ۲۶۰
- احمدزاده به تدریج از مدل کوبا فاصله می گیرد ۲۶۲
- جزنی: مناطق روستایی ایران پایگاه انقلابی ایده آلی نیست ۲۶۶
- تغییر موضع جزنی: تأکید بر جنگ روستایی- کوهی ۲۶۷
۱۵. ماجرای ادغام در جنبش مسلحانه انقلابی ایران ۲۷۳

- ۲۷۵ روند طاقت فرسا و کند مذاکرات
- ۲۷۷ آخرین مانع: متقاعد کردن بدنه گروه پ.ا.م
- ۲۷۹ مأموریت شناسایی پنج ماهه گروه کوه
- ۲۸۳ به تعویق انداختن ها
۱۶. تحت تعقیب قرار گرفتن گروه ح.ا.ص ۲۸۵
- ۲۸۸ باز شدن نخ تسبیح
- ۲۹۱ شروع دستگیری ها
- ۲۹۳ لورفتن تیم شهر
۱۷. عملیات سیاهکل ۲۹۷
- ۳۰۰ حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در ۱۹ بهمن
- ۳۰۳ پیامدهای حمله
- ۳۰۶ ادیسه ۱۹ روزه چریک های در حال عقب نشینی
۱۸. ارزیابی حمله سیاهکل ۳۱۵
- ۳۱۷ اهداف حمله سیاهکل: احمدزاده، اشرف، صفایی فراهانی
- ۳۲۱ سیاهکل به مثابه عملیات نظامی: خطاها و اشتباهات
- ۳۲۴ نخستین واکنش عمومی رژیم به حمله سیاهکل
- ۳۲۷ نمایش مقام بلندمرتبه امنیتی
۱۹. عامل حمید اشرف ۳۳۱
- ۳۳۱ دوران مدرسه
- ۳۳۵ اشرف در نگاه همزمان
- ۳۳۸ نگاهی به سه سال فعالیت چریکی
- ۳۴۴ اشرف خشن و اقتدارگرا؟
۲۰. محدود کردن چریک ها یا تقویت فرهنگ چریکی؟ ۳۴۷

- ۳۴۹.....ماجرای گلسرخی
 ۳۵۴.....انقلابیون مدرسه عالی تلویزیون و سینمای ملی ایران
 ۳۵۶.....ذبح قهرمانان: دمیدن بر آتش

۲۱. زیر سؤال بردن مبارزه مسلحانه توسط جزئی
 ۳۶۱.....به چالش کشیدن نظریه و عمل فدائیان
 ۳۶۵.....در جست و جوی اشکال جدید مبارزه
 ۳۶۷.....تأکید بر نقش روش های قانونی مبارزه
 ۳۶۸.....مسأله هزینه فرصت

۲۲. خلع سلاح آرام مبارزه مسلحانه برای جلب اعتماد دوباره توده ها
 ۳۷۱.....گام اول: مرحله درست جنبش
 ۳۷۲.....گام دوم: راه رفتن روی دو پا
 ۳۷۴.....گام سوم: شرایط سیاسی پارادوکسیکال ایران؛ دموکراتیک و استبدادی
 ۳۷۷.....گام چهارم: وظایف متضاد چریک ها یا جمع اضداد
 ۳۸۰.....گام پنجم: تبلیغات مسلحانه و روش تلفیقی مبارزه
 ۳۸۲.....دو تفسیر از مبارزه مسلحانه
 ۳۸۶.....مسأله شرایط عینی انقلاب
 ۳۸۷.....چقدر طول می کشد تا توده ها به جنبش بپیوندند؟
 ۳۸۹.....نجات جنبش مسلحانه از گرایش های مضر چپ گرایانه
 ۳۹۰.....

۲۳. حمله ایدئولوژیک جزئی از زندان
 ۳۹۳.....گسترش کار خوب
 ۳۹۴.....تفرقه آشکار در زندان
 ۳۹۷.....اعضای اصلی گروه جزئی کجا ایستاده بودند؟
 ۴۰۰.....جداسازی مخفیانه مبارزه مسلحانه از جنبش
 ۴۰۳.....نظریه پرداز درک نشده یا در تناقض
 ۴۰۵.....

۲۴. ارتباط فدایی‌ها داخل، خارج از زندان ۴۰۹
- عامل غیرمستقیم بین اشرف و جزنی در سال ۱۳۵۲ ۴۰۹
- درباره روش درست مبارزه: فدایی‌ها و گروه ستاره ۴۱۱
- تابستان ۱۳۵۳: مبارزه مسلحانه به مثابه استراتژی و تاکتیک دست بالا را دارد ۴۱۴
- خوانش روش صحیح مبارزه در نبرد خلق ۴۱۵
- آشنایی با نوشته جزنی در بیرون زندان و واکنش به آن ۴۱۷
۲۵. تبادل نظر رهبری فدایی درباره روش صحیح مبارزه مسلحانه ۴۲۳
- ویژه‌نامه محتاطانه جزنی در نبرد خلق ۴۲۶
- رشد پای دوم؟ ۴۲۹
- فعالیت‌های سیاسی در سال ۱۳۵۵؛ مذاکرات با مجاهدین مارکسیست ۴۳۴
- آیا اشرف در خرداد ۱۳۵۵ موضع خود را مشخص کرد؟ ۴۳۶
۲۶. نگاه کلی نسبت به مبارزه مسلحانه (۱۳۴۹-۱۳۵۵) ۴۴۱
- حضور پیوسته چریک‌ها ۴۴۳
- اول فروردین ۱۳۵۰-۳۰ اسفند ۱۳۵۰ (سال خورشیدی) ۴۴۷
- سال ۱۳۵۱ خورشیدی ۴۵۲
- سال ۱۳۵۲ خورشیدی ۴۵۵
- سال ۱۳۵۳ خورشیدی ۴۵۷
- گزارش تصفیه‌های سیاسی در این سال (۱۳۵۳) ۴۵۹
- تغییر و تحولات: گسترش، افشا و احاطه کردن ۴۶۱
- سال ۱۳۵۴ خورشیدی ۴۶۱
- رابطه فدایی‌ها با لیبی، گروه‌های فلسطینی و اتحاد جماهیر شوروی ۴۶۵
- شوک تروریسم دولتی ۴۶۹
- فدایی‌ها تحت حمله؛ سال ۱۳۵۵ ۴۷۳
۲۷. چریک‌ها فاتحه رژیم را می‌خوانند ۴۷۷
- دانشجویان داخل بر طبل جنگ می‌کوبند ۴۸۰

- ۴۸۳..... آشوب در دانشگاه‌ها و نیروهای انتظامات
- ۴۸۸..... سیاست عدم تحمل
- ۴۸۹..... واکنش دانشجویان به ماجرای گلسرخی
- ۴۹۲..... بادهای تغییر
- ۴۹۵..... ۲۸. مرثیه‌ای برای رژیم: بازیگران خارج از کشور
- ۴۹۶..... دانشجویان ایرانی در خارج علیه رژیم تظاهرات می‌کنند
- ۴۹۹..... دانشجویان خارج از چریک‌ها خط می‌گیرند
- ۵۰۲..... روش‌های رادیکال برای قرار دادن رژیم شاه در مرکز توجه
- ۵۰۹..... ۲۹. پیش‌درآمدی به سقوط آزاد شاه
- ۵۱۱..... رسانه‌های غربی رازها را افشا می‌کنند
- ۵۱۲..... بیزاری از شکنجه
- ۵۱۵..... توطئه بزرگ ضد شاه
- ۵۱۷..... آخرین تیر ترکش علیه ائتلاف چریک‌ها - فدراسیون
- ۵۲۱..... عقب‌نشینی مرگبار
- ۵۲۵..... نتیجه‌گیری
- ۵۳۵..... روزشمار
- ۵۶۹..... کتاب‌شناسی

سخن ناشر

کتاب حاضر در نوع خود کتابی است کم نظیر که نویسنده آن با سال‌ها تلاش و ممارست توانسته است پیوند میان نظر و عمل سازمان فدائیان خلق را مورد کندوکاو قرار دهد. موردی که در تاریخ‌نگاری‌های کنونی در حوزه مسائل ایران تا حدود زیادی نادیده گرفته می‌شده است همین توجه به ریشه‌های فکری پدیده‌های عینی بوده است. زمانی که از یک گروه یا سازمان، جنبش یا نهضتی سخن به میان می‌آوریم بتوانیم آبشخورهای فکری را در کنار اتفاقات موجود در عالم واقع کشف کنیم در نوع خود دارای اهمیت بسزایی است. تاریخ ایران به واقع پراز شرح رخدادهایی بوده است که دسترسی به ریشه‌های فکری آن و شرح و تبیین آنها نادیده گرفته شده است. کار کتاب حاضر از همین جاست که اهمیت بسزایی می‌یابد یعنی پژوهشی تاریخی در اعماق سازمانی که کمتر درباره آن نوشته شده است. او در این اثر کوشیده است تا نسبت فدائیان را با وضع موجود خودشان نشان دهد، ریشه‌های فکری آن را بکاود و چیستی‌ها را در کنار چرایی‌ها بنشانند.

باید پیش از پرداختن به هرگونه پدیده‌ای بدانیم که نخست ما با یک متن مواجه‌ایم که طبعاً امکان وجود منتقدان خود را دارد و هر متن و پژوهشی دریچه‌ای است به گفت‌وگو و دیالوگ در عالم واقع. دریچه‌ای به اندیشیدن به تاریخ، وقایع و رویدادها. هر پژوهشی می‌خواهد وارد یک دیالوگ فکری با مخاطب خود شود، به نقد کشیده شود و راه پژوهش و نقدهای پسینی را باز نگاه دارد. سازمان فدائیان خلق ایران نیز مانند هر پدیده دیگری در این کتاب به عنوان یک عامل در انقلاب در نظر گرفته شده است.

ذکر این نکته لازم است که انقلاب‌ها پدیده‌هایی چندعاملی‌اند. انقلاب ایران نیز از این

مورد مستثنی نبوده است. فدائیان خلق و مشی مارکسیستی و چریکی نیز یکی از همین سازمان‌ها و خط فکری است که در انقلاب تأثیر گذاشته است. نه می‌توان منکر حضور و تأثیرشان شد و نه می‌توان مدعی آن شد که تنها عامل موجود و یگانه گروهی هستند که انقلاب کردند. چه اینکه وزن و اهمیت گروه‌ها در انقلاب‌ها با یکدیگر متفاوت است که بعضاً نمی‌توان یک کل تمامیت یافته برای آنها قائل شد و حکمی مطلق صادر کرد. کتاب حاضر نیز از این مسأله مستثنا نیست؛ فدائیان خلق تنها یکی از گروه‌های تأثیرگذار انقلاب بوده است و بایسته نیست که آنها را تنها انقلابیون در شرایط پیش از انقلاب نامید. واپسین تأمل این است که تاریخ نگار راوی است نه قاضی. وقتی تاریخ نگار در جایگاه قاضی تکیه می‌کند خواننده خود را منفعل می‌کند. در نهایت امید است که اثر موجود راهی را برای پژوهشگران، دانشگاهیان و نویسندگان تاریخ، جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی و حوزه‌های مرتبط با انقلاب باز کند و بتواند مسیر دیالوگ با گذشته و آموختن برای آینده را بگشاید.

پیش‌گفتار و سپاسگزاری‌ها

تاریخ معاصر ایران پر از دوره‌هایی است که ایرانی‌ها در آن متفرق و پراکنده بوده‌اند. تأثیر اجتماعی و اهمیت این دوره‌ها اغلب در بحث‌های داغ، تبادل نظر، و قضاوت‌های غایی‌ای نمود می‌یابد که سال‌ها و یا دهه‌های بعد صادر می‌شود. اگر پس از نیم قرن ایرانی‌ها هنوز درباره مزایا و نقص‌های سياهکل و اقدامات متعاقب چریک‌های فدایی گفت‌وگو می‌کنند، به معنای این است که این برهه تاریخی تأثیر خود را بر ذهنیت اجتماعی نسل‌های متمادی گذاشته است. نقشه‌برداری درست از چنین دوره‌هایی روندی مداوم و در جریان است. این مسأله نیازمند کوشش‌های دامنه‌دار تاریخدان‌هایی است که این تحولات را با حساسیت‌ها و چشم‌اندازهای مربوط و مصالح پژوهشی در دسترس‌شان می‌نگرند. در مراحل مقدماتی چنین تاریخ‌نگاری‌ای تنها بخش‌هایی از زمینه‌های تاریخی می‌تواند آشکار شود. نقشه‌برداری نهایی [تاریخی] به موقع خود و پس از تحقیقات بیشتر و روشن‌تر شدن قضایا انجام خواهد یافت.

تاریخ انقلابیون مارکسیست ایرانی، فدائیان، موضوع این پژوهش است - اینکه از کجا آمدند، به دنبال چه چیزی بودند، و چگونه موفق شدند. تأکید بر سال‌های شکل‌گیری این گروه‌های سیاسی‌ای است که برای ایجاد تحول به مبارزه مسلحانه به عنوان روش مبارزه روی آوردند. این پژوهش به بررسی منشأ شکل‌گیری، تکامل،

تعامل و فرآیندی می‌پردازد که طی آن دو گروه با هم ادغام شدند تا چریک‌های فدایی خلق را در اواسط سال ۱۳۴۹ تشکیل دهند و در ادامه فعالیت‌های فدائیان تا تابستان سال ۱۳۵۵ را مورد بررسی قرار می‌دهد. گاهشماری این کتاب به درازا کشید. جزئیات تشکیل گروه‌ها، اعضا، فعالیت‌ها، عملیات مسلحانه^۱، جنگ‌های خیابانی، دستگیری‌ها و اعدام‌ها شامل این گاهشماری می‌شود. من توصیه می‌کنم قبل از شروع متن این گاهشماری را بخوانید؛ چرا که برداشت کلی از زمینه وقایع را ارائه می‌کند.

فهم تاریخ و تأثیر فدائیان، نیازمند پاسخگویی به پرسش‌های متعدد است. تبار آنها چه بوده است؟ ریشه‌های نظری و ایدئولوژیک آنها چه بوده؟ گروه‌ها و تشکیلات پیش از فدائیان چگونه شکل گرفتند، ادغام شدند و توسعه یافتند؟ نظریه پردازان آنها به چه می‌اندیشیدند؟ حمله سیاهکل چگونه برنامه‌ریزی و اجرا شد و پیامدهای آن چه بود؟ گروه‌های پیش از فدائیان پس از بدل شدن به چریک‌های فدایی خلق تا چه حد از هویت اولیه خود فراتر رفتند و یا آن را حفظ کردند؟ پس از تبدیل شدن به فدائیان چگونه عمل کردند و دچار دگردیسی شدند؟ انتظارات سیاسی و اهداف آنها چه بود؟ چرا و چگونه بیژن جزنی، رهبر گروه پیش از فدائیان، کارزار ایدئولوژیکی را از زندان علیه فلسفه انقلابی مرسوم^۲ فدایی‌هایی که با رژیم مبارزه می‌کردند به راه انداخت؟ این چالش ایدئولوژیک چگونه تعبیر شد و چه پاسخی به آن داده شد؟ تأثیر فعالیت‌های چریک‌ها بر عموم مردم و بر سمپات‌های دانشجویی در داخل و خارج از کشور چه بود؟ در نهایت، آیا فدائیان در سقوط شاه و انقلاب ۱۳۵۷ ایران ایفای نقش کردند؟ هدف این پژوهش نه تنها برداشتن گام‌هایی برای ساختن تاریخ فدائیان بلکه قرار دادن اندیشه‌های نظریه‌پردازان آنها در متن اندیشه مارکسیست-لنینیست است. فدائیان همچنین در برابر عقاید و مواضع حزب توده یا همان مدعیان مارکسیست غیر انقلابی آنها قرار داده خواهند شد.

مشکل اساسی در دنبال کردن و بازسازی تاریخچه فدائیان یافتن منابع قابل

1. armed operation

2. prevalent revolutionary philosophy

اطمینان و موثق است. مبانی واقعی اساسی و ضروری برای ساختن و نوشتن تاریخ هر گروه انقلابی مخفی نامطمئن و ناپایدار است. در مورد فدائیان، این کار حتی دشوارتر هم می‌شود. بایگانی‌ها اطلاعات خام را از نظر تاریخ، زمان، شرکت‌کنندگان، رویدادها و واقعیت‌ها ارائه می‌کنند. در سال ۲۰۲۰، چنین سالنامه‌هایی درباره پیش از فدائیان و فدائیان وجود ندارد. از قضا، منابع نسبتاً قابل اعتماد موجود درباره آنها، منابع دفتر وزارت خارجه انگلستان، و دفتر روابط خارجی آمریکا است. در این دو منبع، حقایق، تاریخ‌ها، شنیده‌ها، تحلیل‌ها، عقاید و تعصبات، قابل شناسایی و قابل تشخیص هستند. مطبوعات ایران اطلاعات جزئی، اطلاعات نادرست ساواک و گاه، اطلاعات کلی و دستکاری شده‌ای را درباره فعالیت فدائیان ارائه می‌کنند. با این حال، حتی اگر رویدادها شامل اطلاعات غلط باشد تاریخ آنها جای اهمیت دارد؛ اگرچه به طور کلی باید با مراقبت از آنها استفاده شود.

یافتن تاریخ دقیق از هر نوعی، کاری طاقت‌فرسا است. نوشتن یک گزارش تاریخی بدون گاهشماری، بدون درک و تعیین ارتباطات تاریخی، علل و اثرات آن بر مبنای روزشمارها کاری بسیار چالش‌برانگیز است. در نشریات دولتی، دفعات تکرار عباراتی مانند «پس از چندی»، «از این پس»، «در این دوران»، «اندک‌اندک با گذشت زمان»، ناامیدکننده و گیج‌کننده می‌شود. مطالعه وقایع و رویدادها در یک خلأ زمانی، مانند خواندن یک قطعه علمی - تخیلی بدون هیچ شاخص محسوس و ملموس تاریخی است.

صحت ادبیات منتشرشده پس از انقلاب توسط بایگانی‌های مختلف دولتی، اتاق فکرهای مرتبط با نهادهای امنیتی، و نویسندگان و پژوهشگران دولتی با دسترسی آزاد به اسناد و پرونده‌های ساواک حتی پیچیده‌تر هم شده است. این کارها معمولاً مبتنی‌اند بر گزارش‌های ساواک از رویدادها، دستور عمل‌ها یا ارزیابی‌های ساواک، گزارش‌های بازجویی در بردارنده فعالیت‌های چریک‌های دستگیرشده، و تک‌نگاری‌ها و بررسی پرونده‌های مبارزان کلیدی توسط رفقای دستگیرشده. باید با

اطلاعات به دست آمده تحت فشار توسط فدائیان دستگیر شده، حتی اگر به طور کامل منتشر شود، با احتیاط مواجه شد. اعتماد به گزارش های بازجویی می تواند به طور کامل گمراه کننده باشد چرا که به گونه ای هدفمند فرد اطلاعات افشاشده را برای گمراه کردن و سردرگمی بازجویان خود تحریف کرده و هویت اعضای تیم، تماس ها و رابط خود را پنهان می کند. با این حال نمی توان تمامی اطلاعات در گزارش بازجویی ها را به عنوان اطلاعات غلط رد کرد. آنهایی که دستگیر شده و تحت بازجویی قرار می گرفتند گاهی با اطلاعاتی که آنها را به فعالیت های خرابکارانه ای که بیشتر فاش نشده بوده مرتبط می ساخت بار دیگر مورد بازجویی قرار می گرفتند. در این شرایط، آنها گاهی اوقات اطلاعات تاریخ مصرف گذشته ای را درباره عملیات یا رویدادهایی که برای یک محقق مفید است اما برای بازجو اطلاعات مُرده بود، فاش می کردند. این جابجایی بین اطلاعات گمراه کننده و اطلاعات مفید دشوار است. محقق مستقل باید در مورد اینکه آیا گزارش هوشمندانه است، حدس بزند که آیا گزارش بازجویی ارجاع داده شده توسط مطبوعات و نشریات دولتی گزارش اول، دوم، سوم یا بیستم زندانی است. بسته به زندانی مورد بازجویی، هر گزارشی ممکن است بر اساس این پیش فرض باشد که پس از شکنجه نوشته شده باشد.

کم پیش می آمد که نشریات دولتی به طور واقعی گزارش، نامه و پرونده های بازجویی کامل ساواک را چاپ کنند. در چاپ های اولیه توسط دولت، تقریباً تمام اسناد موجود در نسخه اصلی و نسخه مکتوب در دسترس قرار می گرفتند. لکن نشریات بعدی با «تجزیه و تحلیل» بر اساس اسناد منتشر نشده جایگزین این سنت شدند. تحقیق حتی سخت تر هم می شود زمانی که یک اندیشکده دولتی اسنادی را به گونه ای بریده بریده و یا دستچین شده منتشر می کند.

سه مسأله کلیدی با منابع دولتی ای که مدعی ابتنای بر اسناد بایگانی شده ساواک هستند اما نتوانستند سند اصلی را منتشر کنند و یا به گونه ای عامدانه مانع از انتشار سند اصلی می شوند وجود دارد. نخست، شواهد و مدارک و منابع به گونه ای

دلبخواهی^۱ و گزینش شده توسط نویسندگان و با نادیده گرفتن زمینه و زمانه انتخاب می‌شوند. در نبود دسترسی به اسناد اصلی، تأیید صحت^۲ این دست منابع و محتوای آن غیر ممکن می‌شود. ثانیاً، به ندرت پیش می‌آید که چنین منابعی حاوی تاریخ، گاهشماری و نمایش منظمی از وقایع و رخدادها، روابط و تصمیم‌گیری‌ها باشند. گزارش‌هایی از ساواک که به طور کامل منتشر شده اطلاعات ارزشمندی را در خود جای داده است. این گزارش‌ها موضوع اصلی مورد بررسی، تاریخ گزارش و رویداد و مکانی را که اتفاق افتاده افشا می‌کند. آنها همچنین نظر رسمی کارمندان ساواک را که گزارش صحت و سقم این منابع به دست‌شان می‌رسیده، آشکار می‌سازند، و همچنین منعکس‌کننده پیگیری‌ها و اقدامات لازمه پیشنهاد شده است. گاهی اوقات به پیشینه موضوع و زمینه‌های آن هم ارجاع داده می‌شود. چنین اطلاعات مهمی به درک سیر تکاملی، دگردیسی‌ها و به هم پیوستگی رویدادها کمک می‌کند. ثالثاً، دسترسی به منابع تشکیل‌دهنده انتشارات با پایگاه‌های دولتی به دلیل عدم آزادی دسترسی برای عموم، باعث ایجاد سوء ظن درباره پیش‌داوری‌ها و تعصبات نویسندگان چنین آثاری می‌شود. استقلال آکادمیک، اعتبار و بی‌طرفی^۳ نویسندگان کارهای این چنینی، در بهترین حالت پرسش‌برانگیز است. این عوامل سایه بلند شک را بر محتوای چنین گردآوری‌ها^۴ و روایت‌ها می‌افکند.

با توجه به عدم امکان ارجاع مستقیم به اسناد واقعی ساواک و مواجهه با تکه‌تکه‌های انتخابی و دلبخواهی نقل شده در انتشارات دولتی، پژوهشگران باید با هر آنچه از چنین متن‌هایی در دسترس‌شان قرار دارد و می‌گیرد کنار بیایند. این متن‌ها، در وضعیت حساس مرز بین پذیرش بخشی از اطلاعات و رد اطلاعات دیگر قرار گرفته‌اند. تا جایی که ادبیات منتشر شده بر مبنای اسناد و منابع ساواک می‌تواند با خاطرات یا با نوشته‌های بازیگران مستقیم در ماجرا یا بازیگران اصلی جان به در برده ارزیابی و راستی‌آزمایی شود تا محققان بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند.^۵ در صورت نبود چنین بانک‌های مستقل حافظه‌ای، محققان

1. selectively

2. veracity

3. objectivity

4. compilations

5. separate the wheat from the chaff

موظف خواهند بود تا از اختیار و بصیرت خود برای برقراری تماس استفاده کنند. اینجا در واقع ما در آب‌های گل‌آلوده شنا می‌کنیم. در مواجهه با شواهد متناقض محقق باید از این اختیار خود استفاده کند.

با این وجود، برای حرکت به سمت تکمیل پازل، پژوهشگر نیاز به انتخاب از میان اطلاعات موجود در غیاب شواهد و داده‌های اثبات‌نشده دارد. در این مرحله، مطالعه تبدیل به امری ادراکی و حسی می‌شود، جایی که ادعاها تکثیر می‌شوند، و ابزارهایی نیست تا از صحت حقایق در دسترس اطمینان یابیم. در این اثر سعی شده تا حد امکان بر حقایق مشهود تکیه شود، اما به هیچ‌رو خالی از استقراءهای شهودی نیست. هرکجا که از اطلاعات به دست آمده در گزارش‌های بازجویی استفاده شده است، در پاورقی‌های مربوطه به آن ارجاع داده شده است.

طی بیست سال گذشته، نیروهای قدیمی جنبش فدائیان از نسل‌های مختلف خاطرات^۱ خود را در قالب کتاب‌های تألیفی، مقاله‌ها، مصاحبه‌ها، مجلدات ویرایش‌شده و گردآوری‌ها^۲ منتشر ساخته‌اند. این آثار از آنجا که مکان مشخص جغرافیایی نقشه فدائیان را در زمان دقیق یعنی جایی را که راوی خود به طور مستقیم درون جنبش حضور داشته، دارد بسیار مفید است. طبقه‌بندی چنین اطلاعاتی و استفاده مناسب از آن در ساختن تاریخ فدائیان، پس از تأیید و بازبینی نیازمند طرح چند سؤال مقدماتی است: نویسنده - گزارشگر متعلق به کدام نسل است؟ آیا او نخست با گروه‌های پیش از تشکیل فدائیان همکاری داشته است یا با خود فدائیان؟ آیا او با جزئی یا پویان، احمدزاده و مفتاحی ارتباط داشته است؟ آیا او یک مبارز مخفی بوده است؟ چه زمانی و برای چه چیزی دستگیر شد؟ آیا راوی پس از آزادی از زندان زندگی زیرزمینی داشته است و چه زمانی؟ آیا گزارشگر در حال مبارزه بوده، در زندان بوده و یا در خارج از کشور؟ راوی با کدام جناح مباحثات در زندان احساس همسو بوده است؟ راوی با کدام انشعاب و جناح‌بندی سازمان فدائیان پس از سال ۱۳۵۷ همراه بوده است؟

اگرچه پاسخ سراسر است و دسته‌بندی شده‌ای به بعضی از این پرسش‌ها وجود ندارد، با این حال به موقعیت‌یابی نویسندگان - راویان و داستان آنها در گستره وسیع جغرافیای تاریخ فدایی‌ها کمک می‌کند. هدف این پرسش‌های فرضی همگن‌سازی^۱ و طبقه‌بندی افراد^۲ نیست، بلکه درک بهتر دیدگاه آنهاست. طول عمر بسیار کوتاه چریک‌های فعال (معمولاً شش ماه) و سرعت تحولات که در طی آن مبارزان تازه‌وارد جای افراد کشته‌شده را می‌گرفتند بازسازی تاریخی را دشوار کرده است.

اگر بخواهیم پیدایش گروه‌های قبل از فدائیان را جست‌وجو کنیم که در حوالی ۱۳۴۳-۱۳۴۴ پیرامون ایده مبارزه مسلحانه تشکیل شده‌اند، باید تلاش کنیم حوادثی را که حدود بیش از نیم قرن پیش رخ داده است، بازسازی کنیم. واقعیت تلخ و البته دلهره‌آور این است که در میان اسلاف و پدران این جنبش و یا کسانی که ستون‌های گروه‌های اصلی را تشکیل می‌دهند هیچ‌کس زنده نمانده است. تعداد بسیار کمی از شخصیت‌های اصلی که به عنوان همراهان شخصیت‌های پیشگام در نظر گرفته می‌شدند در مرحله تحقیق این پژوهش در دسترس بودند و برخی از جنبه‌های مشخص تاریخ فدائیان را آشکار کردند اگرچه دید آنها صرفاً به دوره، دایره درگیری و حضور شخصی خودشان محدود بود. این مطالعه از اطلاعات برخی از این همراهان بهره بسیار برده است. آنها در بازسازی تاریخ دورانی که به طور مستقیم با آن درگیر بودند کمک شایانی کردند. بقیه کارهای کارآگاهی بود - بخشی واقعیت و بخشی امیدوارانه حدس و گمان مسبوق به اطلاعات موجود. من مدیون کسانی هستم که با کمال لطف به سؤالات من پاسخ دادند. می‌دانستم برخی از پرسش‌هایی که من مطرح می‌کردم آنها را یاد بازجویی‌های ساواک می‌انداخت.

این کار مدت‌هاست که در حال انجام است. چندین بار با پروژه‌های دیگر تداخل پیدا کرد و کنار گذاشته شد اما هرگز فراموش نشد. این ایده در سال ۱۹۹۷ زمانی که در کالج سنت آنتونی مشغول گذراندن فرصت مطالعاتی بودم به ذهنم

خطور کرد. خوشبختانه، در طول اقامت من در آنجا، کسی که فکر می‌کنم علی رضوی باشد، یک جعبه مقوایی با حجم متوسطی پُر از جزوه‌های سازمان فدائیان را به من داد. این یک نشانه بود، یعنی اینکه به اندازه کافی اطلاعات و مواد خام برای شروع به کار من وجود داشت. به پاریس برگشتم، جزوه‌ها را مرتب کردم، و از آن روز به بعد این گنجینه به یادم می‌آورد که باید به تاریخ فدایی‌ها بپردازم. من سؤالاتی مطرح می‌کردم، درباره این موضوع می‌خواندم و به طور متناوب مصاحبه می‌کردم. پانزده سال بعد من به طور جدی روی این پروژه کار کردم. بیش از یک سال را صرف آشنا ساختن خودم با تحولات گروه جزنی با کشیدن چارت‌های^۱ سازمانی گروه تا سیاهکل کردم. سپس با یک سؤال واضح شروع کردم: چرا نخبه‌ترین دانشجویان دانشگاه‌های ایران، تحصیل کرده‌ها، آگاهان سیاسی-اجتماعی و آینده‌سازان کشور خود، به مبارزه مسلحانه و خشونت روی آوردند؟ برای پاسخ به این پرسش، من یک سال و نیم دیگر به کندوکاو عمیق در تاریخ ایران از کودتای ۱۹۵۳ تا ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت در سال ۱۳۴۳ روی آوردم. این مطالعه به خودی خود خیلی طولانی و مفصل شد. فهمیدم که اگر بخواهم جزئیات زمینه تاریخی تحول دولتی بین سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۴ را با خوانندگانم به اشتراک بگذارم، همین‌که خواندن چگونگی تبدیل شاه به حاکم مطلق را به پایان رساندند، موضوع اصلی را فراموش می‌کنند. بافت تاریخی مفصل سیر تحول دولت در ایران باید کنار گذاشته می‌شد و این تحقیق باید بر زمینه و پیدایش فراخوان به مبارزه مسلحانه فدایی‌ها تمرکز می‌کرد.

در این تحقیق، بر حسن نیت و همکاری بسیاری از کسانی حساب کرده‌ام که تصمیم گرفتند با به اشتراک گذاشتن تجربیات و داستان‌های خود به من اعتماد کنند البته بعضی‌ها هم ترجیح دادند که با یک آدم بیگانه و بیرونی که در حال سرک کشیدن به مسأله تاریخی فدائیان نیاز به ارتباط و تماس داشت همکاری نکنند. در اینجا تشکر ویژه دارم از دوست خوب قدیمی‌ام، شهرام قبری. در سراسر سال‌های

پژوهیدن و نوشتن، مواقعی که دچار ابهام، عدم دقت، آشفتگی و درگیری‌های گزارش‌ها و پرونده‌ها و تاریخ‌ها می‌شدم او سنگ‌صبور من بود. او رابط بعضی از افراد کلیدی‌ای بود که اطلاعات‌شان در این مطالعه ضروری بوده است. دید انتقادی و منصفانه او، وقتی که پیش‌نویس‌های اولیه کار را می‌خواند، مرا در مسیر درست قرار داد. همچنین از کمک‌های سه دوست تیزبین دیگر نیز بهره‌مند شدم. از لیلا ابتهاج که به تنظیم نوشتار انگلیسی من کمک کرد و هر جا که جملاتم خیلی طولانی می‌شد با علامت قرمز آنها را مشخص می‌کرد. همچنین سؤالات کلیدی‌ای می‌پرسید که مرا مجبور به روشن ساختن و توضیح بیشتر اظهاراتم می‌کرد. فریدون رشیدیان و نازنین جهانبانی اشتباهات متن را حتی پس از چندین مرتبه مطالعه و بررسی پیدا کردند. از علی قیصری و بهروز معظمی برای خواندن دست‌نوشته‌ها و اظهارات و تصحیح‌های مشفقانه‌شان کمال تشکر را دارم. اصطلاحات آوانگاری و آوانویسی خسته‌کننده است مگر برای علاقه‌مندان و متخصصان زبان فارسی. هر جا که آوانویسی در این متن مطابق استانداردهای متخصصان زبان فارسی بوده است کار شهرام قنبری و علی قیصری بوده است و هر کجا که نقصی در کار وجود دارد از من است.

فهرست کسانی که در این کار به من کمک کردند طولانی است، و من توان اجرای عدالت و انصاف را برای تشکر از هر کدام از آنها به صورت فردی ندارم. تعداد محدودی وجود دارند که لازم است به طور خاص برای آنکه وقت گذاشتند و به سؤال‌های طولانی و گاه خسته‌کننده - بعضی حتی در یک دوره زمان طولانی - پاسخ دادند تشکر کنم. لازم می‌دانم از مستوره احمدزاده تشکر کنم، و مراتب ارادت خود را به آقاها احمدزاده ابراز دارم که هر دو به درک من از محیط رشد مسعود و مجید احمدزاده کمک کردند. مستوره احمدزاده مرا با مرحوم بیژن هیرمان‌پور مرتبط ساخت که حافظه قوی و صراحت او در این بررسی و مطالعه ضروری بود. همچنین از محمد مجید کیانزاد که بدون صبر و کمک مداوم او اشتباهات بیشتری را مرتکب می‌شدم، تشکر ویژه دارم. او از آخرین یاران و بازیگران بی‌واسطه گروه جزئی بود.

تجارب او به سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۲ بازمی‌گردد. از یک سو، خاطرات کیانزاد از گروه جزنی با خاطرات مهدی سامع همپوشانی دارد. آن دو به یک دانشگاه رفته بودند. هر دو گزارشی پربار از فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و نقش غفور حسن‌پور در بازآفرینی و تحول گروه جزنی پس از سال ۱۳۴۷ به من دادند. حافظه عالی سامع و تجربه غنی او بین سال‌های آذر ۱۳۴۵ و آذر ۱۳۵۰ در درک تحولات داخلی یکی از دو گروهی که فدائیان را تشکیل می‌دادند کمک قابل توجهی بود.

از فرهاد نعمانی همکار و دوست قدیمی ام بسیار سپاسگزارم که پشتیبان این تلاش بود و با شخصیت‌های مهمی مرا مرتبط ساخت. افراد بیشتری هم هستند که به آنها مدیونم. چند نفر را نام می‌برم و از دیگران تقاضای بخشش دارم: هوشنگ کشاورز صدر، هدایت‌الله متین‌دفتری، نعمت میرزازاده، سودابه جزنی، قاسم رشیدی، علی طلوع، فرخ نگهدار، رضا علامه‌زاده، مرتضی سیاهپوش، محمدرضا شالگونی، روبن مارکاریان، علی اصغرایزدی، نقی حمیدیان، بهروز معظمی، شیدا نبوی، علی ستاری، هدایت تبریزی، عباس هاشمی، ناصر رحیم‌خانی، قربانعلی عبدالرحیم‌پور، و آنهایی که خواستند ناشناس باقی بمانند. همچنین از سیاوش رنجبر دائمی برای اشتراک اسناد مختلفی که در اختیار من قرار داده است تشکر می‌کنم. همچنین از نوین دوستدار، اسکندر صادقی بروجردی، و سیاوش رنجبر دائمی از انتشارات وان ورلد^۱ برای استقبال و پشتیبانی گرم کمال امتنان را دارم. سرانجام از دیوید اینگلزفیلد برای کمک‌های خارق‌العاده‌اش در این متن تشکر ویژه دارم.

انجام این کار بسیار دشوارتر می‌شد اگر چهار وب‌سایت بسیار مهم وجود نداشت. تشکر صمیمانه دارم از بایگانی آرشیو اسناد اپوزیسیون ایران، forouharha.net پرستو فروهر، پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد، و بایگانی اینترنتی مارکسیست‌ها. برخی از جنبه‌ها و یا تمامی این کار ممکن است برای آنهایی که به ایجاد آن کمک کرده‌اند قابل اعتراض و نقد باشد و اگر این چنین باشد، پیشاپیش از آنها عذرخواهی

می‌کنم. تحقیق درباره تاریخ معاصر کشورهای مطلقه اگرچه خطرناک‌تر از سیاست‌ورزی در آنها نیست با این حال کار دشواری است. برای برخی از وقایع توضیح داده شده در این کتاب، به گزارش‌ها و پرونده‌هایی محدود و یا حتی در جاهایی بدون شواهد پشتیبانی شخص ثالث و سایر منابع و آرشیوهای اولیه غیر قابل دسترسی صرفاً به مشاهدات یک شاهد عینی اتکا کرده‌ام. خوانندگان باید این پرونده‌ها و افرادی را که در کار حضور داشته‌اند با شرح محدودیت‌هایی که رفت در نظر گیرند. این اثر محصول روند تحقیق و تفاسیر نویسنده است. امید که کتاب‌ها و تفسیرهای بیشتری در این موضوع وجود داشته باشد.^۱

۱. با تقریباً تمامی اسناد، گزارش‌ها و نامه‌های ساواک مقایسه کنید (به جز صفحات ۲۸۵-۲۸۴) در به روایت اسناد ساواک، چاپ در ایران، جلد ۸، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰ با کارهای بعدی مانند فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۵۷؛ جلد دوم، تابستان ۱۳۹۶.